

تحلیل نشانه‌شناسی بر ساخت تصویر زن در کتب درسی با تأکید بر دیدگاه بارت

محمد حسین ابتکاری^۱

پذیرش: ۹۸/۹/۸

دریافت: ۹۸/۳/۴

چکیده

مطالعه حاضر به تحلیل نشانه‌شناسی بر ساخت تصویر زن در کتب درسی می‌پردازد. برای تحلیل موضوع، از دیدگاه نشانه‌شناسی بارت کمک گرفته شد. رویکرد و روش تحقیق، رویکردی کیفی و استفاده از روش مطالعه اسناد بود. روش‌های انتخاب تصاویر، بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند و روش تحلیل موضوعی است. داده‌های مورد بررسی، تصاویر مربوط به زنان در کتب مطالعات اجتماعی متوسطه ۱ بوده است. مقوله‌های ناشی از تحلیل نشانه‌شناسی تصاویر را می‌توان حول محورهای فرعی زن موجودی خانگی، فعالیت سنتی، فاصله‌گیری اجتماعی، موجودی غیرسیاسی و ضعف مدیریت اجتماعی؛ و مقوله محوری «دیگری کمتر مهم» دسته‌بندی و تحلیل کرد. بر اساس تحلیل تصاویر، می‌توان گفت تصاویر ارائه‌شده از زنان در کتب درسی، به شکل‌گیری و تقویت نوعی نگاه جنسیت‌گرا و کردار تبعیض‌آمیز جنسیتی در جامعه می‌انجامد. در نتیجه، بازنمایی تصاویر، هم بازگوکننده نابرابری بین جنسیتی و هم بازتاب ناتوانی زنان در دستیابی به موقعیت‌های مهم و ارزشمند زیست اجتماع‌شان است.

کلیدواژه‌ها: کتب درسی، نابرابری جنسیتی، زن.

۱. دکترای جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران، Mh.ebtkari@yahoo.com

طرح مسأله

متن جنسیتی متنی است که بیانگر تعصب به نفع یک جنس و رفتار تبعیض آمیز علیه جنس دیگر است (وریکایتی، ۲۰۰۶: ۶۳). در اکثر جوامع به زنان، به عنوان کنشگران جدی زندگی نگاه نمی‌شود و همواره نقش درجه دومی دارند که این امر منجر به ایجاد زبان جنسیت زده در جامعه شده که یکی از گونه‌های جنسی-زنان-را در حاشیه قرار می‌دهد و گونه جنسی دیگر- مردان- را به عنوان گونه متعارف و معیار می‌شناساند (حیدری، ۱۳۹۲: ۲). بنابراین، یکی از دریاچه‌های مهم و مناسبی که می‌توان از منظر آن به رژیم خاص حقایق یک بستر اجتماعی خاص پی برد، بررسی نقش‌های جنسیتی به کار برده شده در برنامه‌ها، محتوا و تصاویر کتب درسی است. موضوع تبعیض جنسیتی در کتب درسی ابتدا در موج دوم فمینیسم در غرب ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ آغاز شد (اولا و همکاران، ۲۰۱۴: ۱۳۴). ویتزمن در سال ۱۹۷۲ نشان داد که تصاویر زنان در متون مختلف به طور جدی کلیشه‌ای، قالبی و یا نادیده گرفته شده است (ویتزمن، ۱۹۷۲: ۱۱۲۸) و این الگوی تقریباً یکنواخت تبعیض جنسیتی در کتاب‌های درسی در سراسر جهان از گذشته تا به حال ادامه دارد (بلومبرگ، ۲۰۰۹: ۳۴۶).

به عقیده لوو و شرارد (۱۹۹۹) اشکال و عکس‌های کتاب درسی دارای تأثیرات مهمی بر ذهن و ادراک مخاطب‌اند، زیرا نه تنها جلوه‌های عینی و اجزای قابل مشاهده واقعیت هستند، بلکه دربردارنده معانی ضمنی نیز می‌باشند که ممکن است حتی چنین معانی و تفسیرهایی مورد نظر مؤلفین این کتاب‌ها نبوده باشد. به همین جهت آنها استدلال می‌کنند که تصاویر کتاب‌های درسی می‌توانند در بسیاری از موارد تأثیرات به مراتب عمیق‌تر و گسترده‌تر از متن این کتاب‌ها بر روی دانش‌آموزان داشته باشند (نقل از فروتن، ۱۳۹۰: ۵۱). توسی و الیو معتقدند دید قالبی در مردان و زنان در تصاویر و واژگان ظهور می‌کند. معتقدند وقتی در کتاب‌های کودکان پلیس به عنوان یک مرد نشان داده شده، تصویر و ساختار لغوی، ترکیبی را نشان می‌دهد که پلیس مرد است. بنابراین، تصاویر کتب درسی ممکن است افکار مثبت و یا منفی در مورد خود، جنس، شغل، انتظارات، فرصت‌ها و شانس‌های زندگی را ارتقاء دهد (توکی و آلیو، ۲۰۱۳: ۳۳). بنابراین، فرایند آموزشی و محتوا و تصاویر کتب درسی در شکل‌گیری هویت جنسی و

1. Vericaite
2. Ullah et al
3. Weitzman
4. Blumberg
5. Toci and Aliu

نقش‌های جنسیتی اجتماعی پذیرفته‌شده نقش بسیار مهمی دارند (پسیکان و مورینکوویچ^۱، ۲۰۰۶: ۳۸۴). فرالی^۲ معتقد است ادراک کودکان از نقش جنسیتی تحت تأثیر برنامه‌ی درسی پنهان است که از طریق مواد آموزشی صورت می‌گیرد (نقل از هولموویچ و جورآپ^۳، ۲۰۰۶: ۶۴). کتاب‌های درسی اغلب مردسالارانه است و زنان در آنها بیشتر در نقش مادر، نقش‌های محدود، و فعالیت‌های سنتی نشان داده شده‌اند و مردان اغلب شجاع، هوشمند، بافتخار، کنجکاو، قدرت بدنی قوی، با اقتدار و مستقل به تصویر کشیده شده‌اند (بروگیلز و کرومر^۴، ۲۰۰۹: ۲۸). کتاب‌های درسی بازنمایی جنسیتی نابرابر را انتقال می‌دهند (همان: ۴۰). گزارش جهانی ۲۰۰۸ بلومبرگ نشان داد که یک الگوی قابل ملاحظه‌ی مشابه از تبعیض جنسیتی در کتاب‌های درسی سراسر جهان وجود دارد که زنان و دختران به شدت کمتر مورد توجه هستند، همیشه در نقش‌های کلیشه‌ای به تصویر کشیده شده‌اند و در مشاغل و یا فعالیت‌های غیرخانگی و سنتی هستند، آنها معمولاً منفعل‌اند و مردان شجاع و بااعتماد به نفس و دارای مشاغل ارزشمند هستند (ویلیام و کنان^۵، ۲۰۱۵: ۱). همیلتون معتقد است نمایش قالبی از جنس و عدم حضور نمایندگان شخصیتی مهم در تصاویر کتب درسی، بر رشد منفی کودکان، محدود کردن آرمان حرفه‌ای آنها و نگرش قالبی نسبت به آینده‌شان به عنوان پدر و مادر و ویژگی‌های شخصیتی‌شان تأثیر می‌گذارد (همیلتون و همکاران^۶، ۲۰۰۶: ۷۵۷).

در سال‌های اخیر در سطح جهان، تغییرات عمده‌ای در راستای شناسایی تبعیض‌های جنسیتی و رفع نابرابری‌های جنسیتی در محتوا و تصاویر کتب درسی رخ داده است. از جمله در ۵ کشور نپال، بنگلادش، چاد، گینه و غنا، بالغ بر ۳۰۰ میلیون دلار برای از بین بردن تبعیض جنسیتی در برنامه‌ها و کتاب‌های درسی هزینه شده است (بلومبرگ، ۲۰۰۹: ۳۵۷). همچنین، در کشورهایی مانند شیلی و پاکستان، یونسکو نقش مهمی در تأمین بودجه برای تحقیقات اولیه در زمینه تبعیض جنسیتی در کتاب‌های درسی انجام داده است و در تایلند نیز بنیاد را کفلر بودجه‌ای برای تجزیه و تحلیل تبعیض جنسیتی در کتاب‌های درسی تأمین کرده است (ویلیام و کنان، ۲۰۱۵: ۲۱). دولت سوئد نیز در زمینه از بین بردن تبعیض جنسیتی در کتاب‌های درسی گام‌هایی برداشته است که نسبت به بسیاری از کشورها موفق‌تر بوده

1. Pesikan and Marinkovic
2. Frawley
3. and Holmqvist and Gjorup
4. Brugeilles and cromer
5. William and Kenan
6. Hamilton *et al*

است (بلومبرگ، ۲۰۰۹: ۳۴۶). اما به نظر می‌رسد تصاویر تبعیض جنسیتی در کتاب‌های درسی با وجود تلاش‌های مختلف هنوز به شدت باقی مانده است (جاسی^۱، ۱۹۹۸: ۸۸)، و مطالعات اخیر نیز تبعیض جنسیتی در تصاویر و محتوای کتاب‌های درسی را در سطح جهان تأیید می‌کند (همیلتون و همکاران، ۲۰۰۶: ۷۶۵). در ایران نیز بر حسب مستندات، جهت رفع تبعیض‌های جنسیتی در محتوای کتب درسی کمتر کاری صورت گرفته است.

در این راستا، پژوهش حاضر به بساخت تصویر زنان در کتب درسی پرداخته است. با بررسی تصویر و موقعیت زن در کتب درسی می‌توان وضعیت نابرابری جنسیتی را در نگاه مردم و برنامه‌ریزان درسی که در یک بستر اجتماعی مشترک زندگی می‌کنند، به تصویر کشید. جنسیت یکی از جنبه‌های اولیه هویت است که ما از طریق زبان و ارتباط با دیگران می‌آموزیم، بنابراین شناخت و ارزیابی تصاویر جنسیتی بازنمایی شده در کتب درسی می‌تواند تصویر گویایی از هویت و وضعیت اجتماعی-اقتصادی زنان ارائه دهد که برای درک و تشخیص انتظارات اجتماعی و فرهنگی در زنان استفاده می‌شود (هوامویچ و جورآپ^۲، ۲۰۰۶: ۸). ضرورت این تحقیق به سبب فقر مطالعاتی در زمینه تفسیر و مطالعه تصاویر کتب درسی، به ویژه در حوزه نابرابری جنسیتی، دوچندان شده است.

این مقاله در صدد پاسخگویی به سؤالات زیر است:

- زنان در تصاویر کتب درسی چگونه تصویر شده‌اند؟

- وضعیت نابرابری‌های جنسیتی در تصاویر و عکس‌های کتب درسی چگونه است؟

پیشینه

فروتن (۱۳۹۰) در بازنمایی الگوهای اشتغال زنان در متون درسی به این نتیجه رسید که الگوی سنتی تفکیک نقش‌های جنسیتی داخل و خارج خانه به وضوح در کتاب‌های درسی بازنمایی شده است. ارجمندفر (۱۳۹۱) در پایان‌نامه خود با بررسی کتاب‌های فارسی و تعلیمات اجتماعی مقطع ابتدایی از نظر چگونگی کاربرد نشانگان جنسیتی به این نتیجه رسید که علی‌رغم تلاشی که به نظر می‌رسد مؤلفان و تصویرگران این کتاب‌ها برای جبران نواقص موجود در حوزه زن و خانواده مانند کم‌شمار بودن تعداد

1. Jassey
2. Gjorup and Holmqvist

زنان در کتاب‌های درسی، کم‌تنوع بودن نقش زنان، کلیشه‌ای شدن حضور زنان در برخی مشاغل خاص و ... کرده‌اند، هنوز نیز کاستی‌هایی به خصوص در زمینه نشان دادن جایگاه یک زن کامل و موفق در عرصه اجتماع و خانواده وجود دارد. حاضری و احمدپورخرمی (۱۳۹۱) در بررسی بازنمایی جنسیت در کتب تحصیلی به این نتیجه رسیدند که زنان در اندک موارد حضور، موجوداتی ضعیف، عاطفی، نیازمند کمک و مطیع مردان بازنمایی شده‌اند. مسعودی (۱۳۹۲) در پایان نامه خود با موضوع جنسیت و برنامه درسی نشان داد که در اکثر محورها و موارد، فاصله میان زنان و مردان بیش از ۱۰ درصد است و این امر نشان دهنده وجود تبعیض جنسیتی در کتاب‌های درسی دوره راهنمایی است. مرزوقی و منصور (۱۳۹۴) با تحلیل محتوای کیفی کتاب‌های درسی دوره ابتدایی دریافتند که زنان معمولاً در نقش افرادی احساسی و زبردست، مشاغل مربوط به خانه‌داری و در قالب مادری و همسری به تصویر کشیده شده‌اند.

الرابه^۱ (۱۹۸۵) با تحلیل محتوای کتاب‌های درسی سوریه پی برد که محتوای آنها به نفع مردان جانبدارانه است و زنان قربانی و تحقیر شده‌اند. مردان دارای شخصیت‌های برجسته نشان داده شده و زنان بیشتر در مشاغل سنتی و ابسته به تصویر کشیده شده‌اند. یی^۲ (۲۰۰۲) با بررسی متون درسی کتاب مطالعات اجتماعی کشور چین به این نتیجه رسید که ۱۰۰ درصد از دانشمندان و سربازان در این متون مرد هستند و ۱۰۰ درصد از معلمان و ۷۵ درصد کارهای خدماتی زنان هستند و زنان مسلط بر حوزه خصوصی و مردان مسلط بر حوزه عمومی به تصویر کشیده شده‌اند. تانگ^۳ و همکاران (۲۰۱۰) نیز نابرابری جنسیتی به نفع مردان در کتب درسی چین را نشان دادند. احمد^۴ (۲۰۰۶) نشان می‌دهد با وجود تلاش برای حذف کلیشه‌های جنسیتی در کتب درسی هند، این کتاب‌ها هنوز مردمحورند و نیمی از عکس‌های کتب را مردان و پسران و تنها ۶ درصد آن را زنان و دختران تشکیل می‌دهند. مک کب و همکاران^۵ (۲۰۱۱) با مطالعه تبعیض جنسیتی در ۵۶۱۸ کتاب کودکان منتشر شده از ۱۹۰۰ تا ۲۰۰۰ نشان دادند که حضور زنان در این کتب کم‌رنگ است و مردان تقریباً دو برابر در عناوین و ۱/۶ برابر به عنوان شخصیت اصلی حضور داشتند. ویریکیت^۶ (۲۰۱۲) در بررسی محتوای کتب درسی هند، استفاده از زبان تبعیض جنسیتی

1. Alrabaa
2. Yi
3. Tang
4. Ahmed
5. McCabe et al
6. Vericaite

در متون و تسلط غالب شخصیت مردان در این متون را مشاهده کرد. الله و اسکلتون^۱ (۲۰۱۳) در تجزیه و تحلیل تبعیض جنسیتی در کتب درسی پاکستان نشان دادند که در این کتب درسی کلیشه‌های جنسیتی تعبیه شده و تسلط مردانه و دانش مردانه مسلط است. توسی و الیو^۲ (۲۰۱۳) در یک بررسی، به نقش‌های جنسیتی در برخی کتب درسی مقدونیه پرداختند و دریافتند که زنان بیشتر در نقش‌های حرفه سنتی مانند پرستاری، معلمی، آرایشگری و خدمه پرواز به تصویر شده‌اند و مردان در تصاویر خلبان، گیتاریست، فضانورد، بازیکن فوتبال نشان داده شده‌اند. ویچت - وادکان^۳ (۲۰۱۴) در تجزیه و تحلیل محتوای کتب درسی تایلند به این نتیجه رسید که تبعیض جنسیتی به شدت مشهود است. دختران و زنان به حوزه‌های داخلی خانه تنزل داشتند، در حالی که پسران و مردان به صورت مثبت و در موقعیت‌های مهم، فرصت‌های شغلی معتبرتر و انجام وظایف مهم به تصویر کشیده می‌شوند.

چارچوب نظری

بارت از نخستین افرادی است که با گسستن از توجه صرف به فرهنگ والا و تحلیل آن، به کاوش در معنای کالاها و امور فرهنگی مردم‌پسند پرداخت. بارت در کتاب اسطوره‌شناسی، نشانه‌های زندگی روزمره و حیات سیاسی و فرهنگی جامعه فرانسه در دهه ۶۰ را زیر ذره‌بین می‌گذارد و از اسطوره‌ها که زائیده نشانه‌های ناسالم هستند، نقاب بر می‌دارد (بارت، ۱۳۹۲: ۲۳). بارت نشانه‌هایی را که قراردادی بودن خود را پنهان نمی‌کنند، خود را عین طبیعت جانی‌زنند و دارای انگیزش نیستند، نشانه‌های سالم می‌داند، اما نشانه ناسالم آن است که از طبیعتی کاذب سود می‌جوید و دارای انگیزش و قصد است و به سوی مخاطب که می‌آید پرخاشگر است (همان: ۱۲). بارت در گزینش موضوع مقاله‌های اسطوره‌شناسی‌ها هیچ محدودیتی برای خود قائل نشده است. نوع خاصی از پوشاک، مدلی از اتومبیل، یک بشقاب غذای تزیین شده، یک ادای حرکتی، یک فیلم، گونه‌ای موسیقی، تصویر تبلیغاتی، نوعی مبلمان، اینها در ظاهر چیزهای نامتناجس هستند ولی بارت میان آنها وجه مشترکی می‌بیند: آنها دست‌کم همگی نشانه‌اند (همان). بارت در رابطه اسطوره و نشانه‌شناسی بر این باور است که اسطوره‌شناسی بخشی از دانش گسترده نشانه‌شناسی است. او نشانه‌شناسی را دانش فرم‌ها می‌داند، زیرا دلالت‌ها را مستقل از

1. Ullah and Skelton
2. Toci and Aliu
3. Vichit-Vadakan

محتوایشان بررسی می‌کند. بارت بر خلاف سوسور معتقد است که در نظام نشانه‌شناسی نه با دو، بلکه با سه مؤلفه متفاوت سروکار داریم که نه توالی آنها، بلکه همبستگی بین آنهاست که به آنها وحدت می‌دهد. بنابراین در اسطوره نیز دالی هست، مدلولی و نشانه‌ای که جمع همبسته دو مؤلفه نخست است. اما از نظر بارت این یک نظام نشانه‌شناسی ثانویه است. آنچه در نظام نخست نشانه است، در نظام دوم به دالی ساده تبدیل می‌شود. اسطوره در برخورد با نوشتار الفبایی و یا نوشتاری تصویری، فقط مایل است که کلیتی از نشانه‌ها و یک نشانه یکسره را ببیند. همه چیز چنان رخ می‌دهد که گویی اسطوره، نظام صوری دلالت‌های نخست را به کناری می‌راند (همان: ۳۸-۳۳).

بارت در کتاب عناصر نشانه‌شناسی اذعان دارد که الگوی سوسوری نشانه (دال، مدلول، نشانه) صرفاً توجیه‌گر معنای صریح است و سوسور به بررسی معنای ضمنی و چگونگی آن پرداخته است. بارت معتقد است فقط در سطحی بالاتر از سطح معنای تحت‌اللفظی می‌توان به سطح رمزگان معنای ضمنی دست یافت. در نظام نشانه‌شناسی، بارت فرمول مشهور سوسور یعنی دال/مدلول/نشانه را به فرمول دیگری تبدیل می‌کند که شامل معنا - شکل/ مفهوم/ دلالت است (همان: ۴۰). بارت همچنین، با بررسی پیام آگهی پانزانی سه نوع پیام را نتیجه می‌گیرد: پیام زبانی، پیام نمادین رمزگانمند و پیام غیررمزگانمند. پیام‌های زبانی نیز در دو سطح قابل تفسیر است که آنها را دلالت صریح و دلالت ضمنی نام نهاد (همان: ۱۸۵). بارت به فرایند دلالت، یعنی همان فرایندی می‌پردازد که معنا از طریق آن ایجاد می‌شود. او چارچوب کلی دال + مدلول = نشانه را در نظر می‌گیرد و سطح دومی از دلالت را به آن می‌افزاید. بارت دو اصطلاح متداول معنای صریح و معنای ضمنی را جایگزین دلالت اولیه و دلالت ثانویه می‌کند و سپس به این نتیجه می‌رسد که اسطوره‌سازی در سطح دلالت ثانویه یا معنای ضمنی ایجاد می‌شود (همان: ۳۷-۴۰).

جدول شماره ۱. سطح اولیه و ثانوی قاعده نشانه‌شناسی سوسور از دیدگاه بارت

	مدلول اول	دال اول	دلالت اولیه (معنای صریح)
	نشانه اول		
مدلول جدید	دال جدید		دلالت ثانویه (معنای ضمنی)
	نشانه جدید		

مأخذ: بارت، ۱۳۹۲: ۷۶

بارت در «پیام عکس» در صدد پاسخ‌گویی به سؤالاتی کلان در حوزه نشانه‌شناسی تصویر است: این که چگونه یک عکس را می‌خوانیم؟ از خوانش آن چه چیزی درمی‌یابیم؟ به چه ترتیب و روالی به این دریافت می‌رسیم؟ و این که آیا عکس برای همگان به صورت یکسان درک می‌شود؟

بارت، انتقال واقعیت را کارکرد عکس می‌داند. عکس را پیامی بدون رمزگان می‌داند، چرا که پیام آن پیامی پیوسته است. همچنین بارت نقاشی، تئاتر، طراحی و سینما را نیز که پیام‌های آن مبتنی بر همانندی‌شان است، هنرهای بدون رمزگان می‌داند. بارت همه هنرهایی را که مبتنی بر بازنمایی هستند حامل دو پیام صریح یا هماننده و یک پیام ضمنی - که شیوه‌ای را شامل می‌شود که اجتماع به آن وسیله، تلقی نسبی خود از آن پیام صریح یا هماننده را بیان می‌کند - می‌داند (بارت، ۱۳۸۹: ۱۴). از نظر بارت عکس، صرفاً دریافت و درک نمی‌شود بلکه خواننده شده و به واسطه اجتماع مصرف‌کننده عکس‌ها به شکلی کمابیش آگاهانه به اندوخته متعارف نشانه‌ها می‌پیوندد. وی معتقد است که عکس از هم‌زیستی دو پیام ایجاد می‌شود: یکی پیام بدون رمزگان (همانندی عکاسانه) و دیگری پیامی با رمزگان (هنر یا پرداخت، نوشتار و یا مجازگان عکس). وی این ناسازه را ناشی از هم‌دستی و هم‌یاری یک پیام صریح و یک پیام ضمنی در عکس نمی‌داند، بلکه ناسازه را از آن جهت مطرح می‌کند که پیام ضمنی بر اساس یک پیام بدون رمزگان مطرح می‌شود (همان: ۱۶ - ۱۵). بارت فرایندهای مختلف دلالت ضمنی را از هم مجزا می‌کند. به نظر بارت باید سه فرایند نخستین (جلوه‌های ویژه، ژست‌ها و اشیاء) را از سه فرایند پسین (زیبانه‌نمایی، هنرنامه‌ی، هم‌سازی) متمایز ساخت. چرا که در سه فرایند نخست، معنای ضمنی با اعمال تغییر یا اصلاحی در پیام صریح (این ترفندها مختص عکس نیست) ایجاد می‌شود. در واقع عکس به عکاس این فرصت را می‌دهد تا با این ترفندها معنای ضمنی را در زیر دلالت صریح عکس پنهان کند (بارت، ۱۳۸۹: ۱۸).

با استناد به دیدگاه بارت و مباحث تئوریک مطرح شده سؤالات زیر قابل طرح است:

- آیا تصاویر کتب درسی علاوه بر معانی صریح دارای معانی ضمنی نیز هستند؟
- آیا تصاویر کتب درسی از نوع پیام‌های مخدوش هستند؟
- نشانه‌شناسی چه کاربردهایی در روش و شیوه تنظیم و ارایه تصاویر کتب درسی دارد؟
- نشانه‌شناسی چه تأثیری در تدوین محتوای تصاویر کتب درسی دارد؟
- نشانه‌شناسی چه کاربردهایی در تحلیل اثرهای اجتماعی- فرهنگی تصاویر کتب درسی دارد؟

روش پژوهش

شیوه تحلیل تصاویر کتاب درسی در این مقاله بر اساس روش شناسی بارت است و تصاویر و عکس‌ها در دو سطح معنای صریح (معنای مستقیم و عامه‌فهم و اول مرتبه) و معنای ضمنی (معنای بیرونی و لایه‌ای و ساحت مرتبه دوم معنا) مورد تحلیل قرار می‌گیرد. تمایز میان دلالت ضمنی و صریح یکی از سازوکارهای نشانه‌شناسی در دیدگاه بارت است که وی آن را به تحلیل تصاویر نیز بسط داد. بارت معنای صریح در عکس را پاسخی می‌داند که به صورت بی‌واسطه و اغلب ناقص به سؤال «این چیست؟» می‌دهیم. نوعی توصیف مستقیم و صریح که از میان نشانه‌ها، مخاطب را به معنای از پیش تعیین شده رهنمون می‌کند (همان: ۴۵-۴۴). همانندی این معنا با واقعیت آن‌چنان شدید و اغراق‌آمیز است که در نگاه اول، گویی امکان وجود معنای دوم غیرممکن است. اما در این ساختار، لایه‌های معنایی دیگری هم نهفته است که سرنوشت محتوم تمام وسایل ارتباط جمعی است. بارت همواره تصاویر را دارای معنای ضمنی می‌داند و بر آن بود که نسبت میان آن و معنای صریح در تصویر همان نسبت نشانه‌شناختی بین موضوع تصویر و بازنمایی آن است. بارت معتقد است که عکس علاوه بر رونوشت‌برداری از واقعیت، آن را تا حدی تغییر نیز می‌دهد (همان: ۱۶-۱۵). به این ترتیب، در تحقیق حاضر با توجه به عناصر موجود در عکس‌ها، اشیا، رنگ‌ها، ژست‌ها، تکرارها و ...، دال‌ها مشخص شده و مدلول اولیه و سپس ثانویه یا همان دلالت‌های ضمنی بر اساس بستر تولید و مصرف عکس شرح داده شد. در برخی عکس‌ها رابطه بینامتنی عکس‌ها با گفتمان‌های خارج از متن، مشخص شد. به علاوه مخدوش بودن که بارت آن را ناشی از اسطوره‌ای بودن و تحریف پیام می‌داند، در تصاویر کتب درسی تحلیل شد.

نمونه پژوهش حاضر بر اساس نمونه‌گیری هدفمند و غیرتصادفی انتخاب شده است؛ یعنی انتخاب نمونه‌ها بستگی به اهداف تحقیق دارد. تحقیق حاضر، تصاویر و عکس‌های زنان در کتب درسی مطالعات اجتماعی هفتم، هشتم و نهم را به عنوان مورد مطالعه انتخاب و با روش تحلیل موضوعی مورد تحلیل قرار داده است. روش موضوعی، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (مهری و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۱). داده‌های مورد تحلیل در روش تماتیک یا موضوعی شامل داده‌های متنی، مصاحبه‌ها و داده‌های مشاهده‌ای متنی شده است. این تحلیل مبتنی بر عمل کدگذاری و تحلیل داده‌هاست که محقق از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون داده‌ای و برون‌داده‌ای به یک سنخ‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد (محمدپور، ۱۳۹۲: ۶۶). در تحقیق حاضر، تصاویر به داده‌های متنی تبدیل شده و با روش تحلیل موضوعی، تصاویر و عکس‌های دارای مضامین

مشترک و مشابه، ذیل یک مقوله انتزاعی تر که بازنمایی‌کننده معانی ضمنی آنها می‌باشد، دسته‌بندی و تحلیل شدند. جهت ارزیابی اعتبار نتایج تحقیق و تحلیل داده‌ها، بعد از گردآوری تصاویر و مقوله‌بندی آنها، برای چند نفر از استادان مجرب ارسال گردید تا میزان اعتبار نهایی فرایند تحلیل موضوعی داده‌ها و مضامین مربوطه برآورد و کنترل شود.

تحلیل یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که در سه کتاب مطالعات اجتماعی هفتم (۱۷)، هشتم (۱۴)، نهم (۱۰) و در مجموع ۴۱ بار تصویر زنان به طور مستقل نشان داده شده است و تصویر مردان در این سه کتاب، مطالعات اجتماعی هفتم (۸۳)، هشتم (۹۳) و نهم (۱۱۶) در مجموع ۲۹۲ بار آمده است. تصویر زن و مرد به طور مشترک در مطالعات هفتم (۱۵)، هشتم (۱۷)، نهم (۱۸) و در مجموع ۵۰ بار به تصویر کشیده شده است. بنابراین، داده‌ها نشان می‌دهد تصاویر کتب درسی مطالعات اجتماعی متوسطه ۱ از نظر کمی به شدت مردانه است.

تحلیل نشانه‌شناسی بر ساخت تصویر زن در کتب درسی مطالعات اجتماعی متوسطه ۱

در خلال تحلیل موضوعی تصاویر، تعداد ۵ مقوله از ویژگی‌های زنان استخراج شدند که عبارت‌اند از موجودی خانگی، فعالیت سنتی، فاصله‌گیری اجتماعی، موجودی غیرسیاسی و ضعف مدیریت اجتماعی. در نهایت مقوله‌های مذکور در قالب یک الگوی معنایی با عنوان «دیگری کمتر مهم» ارائه شد.

زن، موجودی خانگی

زنان در دنیای مدرنیته هنوز در قالب نقش‌ها و فعالیت‌های خانگی تصویر می‌شوند و در کتاب‌های درسی این نقش‌ها در ذهن پسران و دختران سنین مختلف به صورت قالبی درمی‌آیند و انتظارات جامعه از نقش‌های جنسیتی هم برای پسران و هم برای دختران طوری تعریف می‌شود که خارج شدن از این چارچوب نقش تصویر شده می‌تواند پیامدهایی منفی برای فرد داشته باشد. زنان در بیشتر تصاویر مشغول فعالیت‌هایی هستند که در محیط خانه تصویر شده‌اند و مشغول فعالیت‌های خانگی مانند غذا درست کردن، مراقبت از کودک، لباس شستن و جارو کردن و ... هستند:

حضور زن در خانه (مطالعات نهم، ص: ۳۴)،

زنان در خانه مشغول چای درست کردن (مطالعات نهم، ص: ۹۱)

تصویر زنان در حال آماده کردن غذا برای ارسال به جبهه (مطالعات نهم، ص: ۱۱۰)

حضور در خانه و کمک به دخترش برای انتخاب لباس (مطالعات نهم، ص: ۱۱۵)

زن در حال گرفتن آب از لوله آب (مطالعات هشتم، ص: ۱۴۸)

زن در حال نگه‌داری از دخترش (مطالعات هشتم، ص: ۱۵۵)

زن شستن ظرف و دختر جارو کردن، غذا درست کردن و کارهای خانگی (مطالعات هفتم، ص: ۸)

(مطالعات هشتم، ص: ۵)

دو دختر در خانه و نگاه کردن به مارک سس ماینوز برای استفاده (مطالعات هفتم، ص ۳۷)

آنچه از معنای صریح همه این تصاویر در ذهن دانش‌آموزان و خوانندگان این کتاب‌ها ایجاد می‌شود، فعالیت‌هایی است که زنان در خانه مشغول آن هستند و برای زندگی‌شان در حال تلاشند. اما این تصاویر دارای دلالت‌های ضمنی گوناگونی نیز می‌باشند. دلالت‌های ضمنی این تصاویر نقش و حضور زنان در جامعه را بی‌اهمیت و غیر لازم جلوه می‌دهد. در ذهن دانش‌آموزان این تصور ایجاد می‌شود که زنان تنها باید خود را برای کار در خانه آماد کنند و مهارت‌های خانه‌داری را بیاموزند. حوزه فعالیت زنان تنها در چارچوب خانه تصویر می‌شود و فراتر از این مرز تصویری مجسم نیست. از نگاه اسطوره‌شناسی بارت زنان همیشه موجوداتی خانگی بوده و هستند و غیر از این نمی‌توان تصویری برای زنان متصور شد. همچنین از نگاه بارتی این تصاویر از نوع مخدوش هستند، چرا که نقش اجتماعی و اساسی را برای زنان در نظر نمی‌گیرند و لزوم مشارکت آنان را در جامعه غیر ضروری نشان می‌دهند. هم‌اینکه نشان می‌دهند زنان توانایی انجام کارهای مهم و اساسی را ندارند و از توانایی انجام کارهای غیر از خانه عاجز و ناتوانند. فعالیت‌های زنان را تنها محدود به محیط خانه می‌دانند و به عنوان موجودی خانگی تصویر می‌شوند.

فعالیت سنتی زنان

زنان در اکثر تصاویر کتب درسی مطالعات اجتماعی با فعالیت‌های سنتی به تصویر کشیده شده‌اند و به شکلی بازنمایی می‌شوند که هنوز در نقش‌های قدیمی مانده‌اند و انتظار می‌رود که آنها در همین محدوده فعالیت‌های سکون بمانند و از فعالیت‌های مردانه و مدرنیته دور بمانند.

زن در حال مراقبت و محبت به دخترش (مطالعات هفتم، ص ۱).

زن در حال مراقبت از دخترش (مطالعات هشتم ص ۱۵۵).

زن مشغول کار کشاورزی در مزرعه (مطالعات هشتم، ص: ۱، ص: ۱۰۹، ص: ۱۳۵، ص: ۱۳۹، ص: ۱۴۸ و ص: ۱۴۸).

تصویر حضور زنان در هلال احمر و جمع‌آوری وسایل و کارهای خدماتی (مطالعات هفتم: ۲۲)
تصویر زنان مشغول کارهای منشی‌گری و خدماتی و ثبت‌نام (مطالعات هفتم، ص: ۲۴ و ص: ۲۶).
آنچه از معنای صریح همه این تصاویر در ذهن دانش‌آموزان و خوانندگان این کتاب‌ها ایجاد می‌شود، نشان از فعالیت‌هایی است که زنان در مراقبت از اعضای خانواده، کمک به همسر در فعالیت‌های کشاورزی، حضور در مکان‌هایی دولتی و سازمان‌های خصوصی دارند و قابل اهمیت است. دلالت‌های ضمنی این تصاویر، نقش زنان در فعالیت‌های ارزشمند مدیریتی، سرپرستی و تصمیم‌گیری را کم‌اهمیت جلوه می‌دهد. تصور قالبی ایجاد شده در این تصاویر، محدود شدن نقش زن به همان فعالیت‌های سنتی و مراقبتی را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند. از نگاه اسطوره‌شناسی بارت زنان همیشه به فعالیت‌های سنتی مشغول بوده و هستند و غیر از این نمی‌توان تصویری برای فعالیت‌های زنان متصور شد. از آنجایی که زنان در فعالیت‌های مهم اجتماعی در جامعه تصویر نشده‌اند و توانمندی‌ها و ظرفیت‌های آنها در موقعیت‌های مهم جامعه نادیده گرفته شده است و ارتقاء و فعالیت‌های مدرنیته را فقط برای مردان بازنمایی می‌کند، از نوع تصاویر مخدوش هستند.

فاصله‌گیری اجتماعی

امروزه حضور و مشارکت اجتماعی زنان در جامعه دوچندان شده و این پدیده روزبه‌روز در کشورهای پیشرفته رو به افزایش است. زنان با حضور فعال‌تر در جامعه می‌توانند خلاءهای روحی-روانی خود را برطرف نموده و نقش بهتری در اداره زندگی شخصی خود نیز داشته باشند. حضور بیشتر زنان در زیست اجتماعشان به تفکرات قالبی موجود در فرهنگ جامعه بستگی دارد. تصاویر کتاب درسی به عنوان یک عامل مهم فرهنگی هویت‌ساز، حضور زنان در بستر اجتماعی را بسیار ضعیف به تصویر می‌کشد.

حضور چند مادر به همراه پسرانشان برای افتتاح یک مدرسه (هشتم، ص ۸)

رفتن بر سر قبر همسر شهید (هفتم، ص ۹)

عضویت دختران در فرزانگان و پیشتازان (هفتم، ص ۱۰)

حضور مراسم عروسی (نهم، ص ۱۱۸)

زنان در حال کشاورزی (نهم، ص ۱۱۴)

زنان در حال مهاجرت با اسباب و بچه‌های‌شان (نهم، ص ۴۸)

خرید برای خانه (هفتم، ص ۴۱)

معانی صریح این تصاویر، حضور زنان در برخی فعالیت‌های اجتماعی در جامعه را بازنمایی می‌کند. اما معنای پنهان و ضمنی این تصاویر نشان می‌دهد که زنان تنها برای فعالیت‌های بسیار جزئی و ساده در جامعه حضور می‌یابند. این فعالیت‌ها نیز کاملاً زنانه و کمتر مهم تصویر می‌شوند. از نگاه اسطوره‌شناسی بارت زنان همیشه از جامعه دور بوده و دور نگه‌داشته شده‌اند و غیر از این نمی‌توان چیزی متصور شد. از آنجا که در این تصاویر حضور زنان با نقش‌های معمولی به تصویر کشیده شده و این تصور را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کنند که زنان تنها به واسطه فعالیت‌های معمولی در جامعه حضور می‌یابند و از بستر زیست‌اجتماع و مردانه فاصله دارند، مخدوش هستند.

زن موجودی غیرسیاسی

زنان امروزه در دنیای مدرنیته نقش اساسی در تعیین سرنوشت خود دارند. مشارکت سیاسی حقی است که برای زنان در جامعه جهانی در سال‌های اخیر تعریف شده است. اما تصاویر کتب درسی تصویر ضعیفی از نقش مشارکت سیاسی زنان را بازنمایی می‌کند. بیشتر تصاویر مشارکتی، مردانه است و تصویر زنان یا وجود ندارند یا در سایه تصویر مردان قرار دارند.

حضور سه زن در هیأت دولت که به صورت بسیار کم‌رنگ و ضعیف در آخر تصویر بین تعداد

زیادی مرد نشسته‌اند (مطالعات هشتم، ص ۱۳).

زنان در حال تظاهرات انقلاب ۹۹ (مطالعات نهم، ص ۹۹)

زن مبارز انقلابی (مطالعات نهم، ص ۱۰۴)

حضور کم‌رنگ در همه پرسى انقلاب (مطالعات نهم، ص ۱۰۷)

مشارکت سیاسی ۱۴۲ در انتخابات (مطالعات نهم)

معنای صریح این تصاویر نقش زنان در فعالیت و مشارکت‌های سیاسی را در ذهن مخاطب به تصویر می‌کشد. دلالت‌های ضمنی این تصاویر، نقش زنان را تنها با نقش انتخاب کردنی به تصویر می‌کشد نه انتخاب شدن. زنان در این تصاویر تنها در ساده‌ترین شکل‌های مشارکت سیاسی یعنی تظاهرات به نفع دولت و حضور در رأی‌گیری به تصویر کشیده شده‌اند. در این تصاویر برای زنان تنها نقش حمایتی متصور شده که حکومتی مردانه یا نامزدی مردانه را باید حمایت یا انتخاب نمایند. از نگاه اسطوره‌شناسی بارت زنان همیشه موجوداتی غیرسیاسی بوده و هستند و غیر از این نمی‌توان چیزی متصور شد. از آنجایی

که زنان در موقعیت‌ها و مشارکت‌های سیاسی که با نقش فعال در بدنه حکومت و دولت تصویر نشده‌اند، این تصاویر از نوع مخدوش هستند، چرا که زنان را منفعل سیاسی به تصویر می‌کشند که فاقد توانایی مشارکت‌های فعال - مانند نامزد انتخاباتی، شهردار، استاندار و ... - هستند.

ضعف مدیریت اجتماعی

مدیریت مطلوب بخش‌های مختلف جامعه نیازمند نقش توأمان مدیریتی مردان و زنان در جامعه است. استفاده از زنان و اعتماد به توانایی‌های مدیریتی و شبکه‌های رهبری آنها در جامعه امروزی در کشورهای پیشرفته دنیا جزء اجتناب‌ناپذیر تفکرات غالب محسوب می‌شود. در تصاویر هر سه کتاب بررسی شده، هیچ تصویری، نقش زنان را در بخش رهبری و مدیریت اجتماعی به تصویر نکشیده است. تصاویر مدیریتی و رهبری همه مردانه هستند و تصاویر زنان نیز در موقعیت‌های شغلی درجه دوم و سوم به تصویر کشیده شده است. پیام ضمنی چنین تصاویری یا عدم تصاویر مدیریتی زنان، واپس‌نگه داشتن دختران و زنان از شکل‌گیری چنین تفکری در جامعه را نشان می‌دهد. از نگاه اسطوره‌شناسی بارت زنان همیشه موجوداتی منفعل، سلطه‌پذیر و ناتوان در مدیریت و رهبری اجتماعی بوده و هستند و غیر از این نمی‌توان تصویری برای زنان متصور شد. این تصور که نقش مدیریتی زنانه تنها محدود به چارچوب خانواده است و نقشی فراتر از آن متصور نیست و نقش مدیریت اجتماعی زنان را کاملاً نادیده گرفته است، از نوع تصاویر مخدوش است.

نتیجه‌گیری و بحث

مطالعه حاضر به تحلیل نشانه‌شناسی برساخت تصویر زنان در کتب درسی با تأکید بر دیدگاه بارت پرداخته است. بر مبنای نگاه بارت تحلیل مقوله‌ها نشان می‌دهد که اکثر تصاویر شکل اسطوره‌ای داشتند و جامعه مورد نظر بدون هیچ تردیدی این گونه صفات را برای زنان پذیرفته و آنان را ابدی می‌دانند. اکثر تصاویر به نوعی دارای مضمون سوگیری جنسیتی، مخدوش و تبعیض‌آمیز به نفع مردان و به ضرر زنان هستند و مواردی را شامل می‌شوند که علاوه بر معانی صریح، معانی ضمنی - که واقعیت را تحریف می‌کنند - را ترسیم می‌کنند. تحلیل این تصاویر نشان می‌دهد که تصویر زنان در قالب بازنمایی‌هایی صریح و مستقیم؛ مانند زن موجودی خانگی، فعالیت سنتی، فاصله‌گیری اجتماعی، موجودی غیرسیاسی و ضعف مدیریت اجتماعی و ... بیانگر نوعی انگاره عمیق و زیربنایی است که زنان را به عنوان جنس فروتر،

ضعیف‌تر و در مرتبه دوم بعد از مرد قلمداد می‌کند. البته کارکرد و آثار این عکس‌ها در سطح تصویر متوقف نشده، بلکه دیگر قلمروها و سطوح اجتماعی و اقتصادی زندگی زنان را نیز متأثر می‌سازد؛ زیرا با بازنمایی شدن زنان، به عنوان «جنس دوم و کهنتر»، آنان اجازه دستیابی به موقعیت‌های مهم اقتصادی و اجتماعی جامعه را ندارند. به عبارتی دیگر، این تصاویر می‌توانند زمینه «موجه‌نمایی و توجیه» نابرابری‌های جنسیتی در قلمروهای متعدد زندگی را فراهم کنند. نابرابری‌هایی «ظاهری و آشکار» که بازتاب نابرابری‌های «جوهری و عمیق» تر تصور می‌شوند و در قالب «تصویر» تکرار، تأیید و تقویت می‌گردند. بنابراین، در این تصاویر جنسیت نقش اساسی را در ایجاد تفاوت داشته، جنس زن بودن فرد را واجد صفات منفی، ذکر شده در این تحقیق، جلوه می‌دهد و ذهنیت منفی موجود در بستر اجتماعی مورد نظر، اجازه خودنمایی و پیشرفت را به زنان منطقی و توانمند نیز نمی‌دهد.

اما با توجه به فلسفه تربیت در سند تحول بنیادین و توجه به وجوه اختصاصی هویت متریان (به‌ویژه هویت جنسیتی) و عدم توجه به یکسان‌سازی انسان‌ها، که آن را از ویژگی‌های نظام مدرنیته می‌داند (مبانی نظری تحول بنیادین: ۲۳۷)، چنین تصاویری در جهت هویت‌سازی جنسیتی، در برخی تصاویر - بالخصوص در مقوله زنان به عنوان موجودات خانگی - جهت فراگیری آموزش‌های نقش زنان در خانواده و زندگی در زیست‌اجتماع بر اساس کسب شایستگی‌های ویژه هویتی عمل می‌کند. در نظام تربیت رسمی و عمومی در سند تحول، ایجاد هویت واحد برای آحاد جامعه، بر مبنای یکسان‌سازی اهداف و محتوای آموزش مورد نقد قرار می‌گیرد و نتیجه طبیعی آن را شخصیت‌زدایی از متریان و اضمحلال فردیت ایشان می‌داند. لذا نظام تربیت رسمی و عمومی مطلوب، علاوه بر زمینه‌سازی تکوین و تعالی هویت مشترک در آحاد متریان، نسبت به زمینه‌سازی برای تکوین لایه‌های ویژه هویت آنان (به ویژه هویت جنسیتی) از طریق کسب شایستگی‌های ویژه نیز توجه دارد (همان، ۲۳۸). در سند تحول بنیادین، هویت جنسیتی از جمله مهم‌ترین لایه‌های هویت است که در نظام تربیت رسمی و عمومی و در تداوم روند تکوین و تعالی هویت مشترک متریان باید به آن توجه جدی شود. زیرا به سبب اهمیت نهاد خانواده و نقش آن در تحقق جامعه صالح، تکوین و تعالی هویت جنسیتی می‌تواند در این نظام برای کسب شایستگی‌های لازم جهت درک و بهبود مداوم موقعیت خود و دیگران کانون توجه قرار گیرد، که مواردی نظیر نقش‌های جنسیتی و آمادگی برای تشکیل خانواده از جمله این شایستگی‌هاست (همان: ۲۶۹). بنابراین، محتوا و تصاویر کتب درسی، عامل هویت‌ساز محسوب می‌شود که می‌تواند در شکل‌گیری هویت سالم عمل کند و مانع از تفکرات قالبی جنسیتی شود.

در این راستا، تصاویر کتب درسی، در برخی موارد بر مبنای عدم یکسان‌سازی هویتی است که در سند تحول به شدت مورد تأکید است، اما از برخی جهات- مدیریت اجتماعی، فعالیت‌های سیاسی، شغل و ... - نیازمند بازنگری است؛ چرا که در نظام تربیت رسمی و عمومی باید زمینه مناسب شناخت و تعالی مستمر ظرفیت‌های متریان را فراهم سازد تا ضمن تکوین و تعالی هویت سالم و متعادل در آنان، از انسداد طبقاتی در جامعه جلوگیری کند (مبانی نظری تحول بنیادین، ۲۲۳).

نتایج تحقیق حاضر با اکثر تحقیقات ذکر شده در پیشینه مطالعاتی، که بر وجه منفی تصویر زنان در کتب درسی تأکید داشتند، انطباق داشته و همسو با آنها معتقد است که نابرابری جنسیتی در تصاویر به وضوح قابل تشخیص و بررسی است. با توجه به پیشینه تحقیق، زمینه‌های اجتماعی و ساختاری در بسترهای اجتماعی سعی در نادیده گرفتن زنان داشته، محدودیت‌هایی اجتماعی را بر آنان تحمیل می‌کند، که علاوه بر نمود در کردارهای اجتماعی، در تصاویر بازنمایی شده، به نسل‌های بعد نیز منتقل می‌شود.

منابع

- ارجمندفر، فاطمه. (۱۳۹۱). بررسی کتاب‌های فارسی و تعلیمات اجتماعی مقطع ابتدایی از نظر چگونگی کاربرد نشانگان جنسیتی. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد. علوم اجتماعی. دانشگاه علامه طباطبائی.*
- آلن، گراهام. (۱۳۹۲). *رولان بارت*. چاپ دوم. ترجمه پیام یزدجو. تهران: نشر مرکز.
- بارت، رولان. (۱۳۸۹). *پیام عکس*. چاپ دوم. ترجمه راز گلستانی فرد. نشر مرکز.
- _____ (۱۳۹۲). *اسطوره، امروز*. چاپ ششم. ترجمه شیرین دخت دقیقیان. تهران: نشر مرکز.
- حاضری، علی محمد و علیرضا احمدپور خرمی. (۱۳۹۱). «بازنمایی جنسیت در کتب فارسی مقاطع تحصیلی راهنمایی و دبیرستان در سال‌های تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸». *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۰، شماره ۳، ۹۶-۷۵.
- حیدری، سعیده. (۱۳۹۲). بررسی جایگاه زن در فرهنگ عامیانه کردی. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه پیام نور مرکز تهران غرب.
- فروتن، یعقوب. (۱۳۹۰). «بازنمایی الگوهای اشتغال زنان در متون درسی ایران». *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۹، شماره ۲، ۸۰-۳۹.
- فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران. بخش دوم. مبانی نظری تحول بنیادین. محمدپور، احمد. (۱۳۹۲). *روش تحقیق کیفی ضد روش ۲*. چاپ دوم. تهران: نشر جامعه‌شناسان.
- مرزوقی، رحمت‌اله و سیروس منصور. (۱۳۹۴). «تحلیل محتوای کیفی کتاب‌های درسی دوره ابتدایی از منظر جهت‌گیری جنسیتی». *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۳، شماره ۴، ۴۸۵-۴۶۹.

- مسعودی، محسن. (۱۳۹۲). جنسیت و برنامه درسی: تحلیل برنامه‌های درسی علوم اجتماعی دوره راهنمایی تحصیلی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه علوم تربیتی گرایش برنامه‌ریزی. دانشگاه کردستان.
- مهری، کریم؛ بهجت یزدخواستی و محمدحسین پناهی. (۱۳۹۳). «سیاست‌گذاری قومی مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری: تحلیل تماتیک». *دوفصل‌نامه قدرت نرم*، سال چهارم، شماره دهم، ۹۸-۷۵.
- Pesikan, A., Marinkovic, S. (2006). A comparative analysis of the image of man and woman in illustrations of textbooks for first grade children. *Psihologija*. Vol. 39 (4). 383-406.
- Brugeilles, C., Cromer, S. (2009). *Promoting Gender Equality through Textbooks*. Published by the United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization, 1- 99
- Ullah, H., Christine, S. (2013). *Gender Representation in the Public Sector Schools Textbooks of Pakistan*. *Educational Studies* 39(2):183-194.
- Vichit-Vadakan, Juree. (2014). *Gender Analysis of School Textbooks: Conclusions and Recommendations – Report Presented to the Rockefeller Foundation*. Bangkok. NIDA.
- William, R., Kenan, J. r. (2015). *Eliminating gender bias in textbooks: Pushing for policy reforms that promote gender equity in education*. Background Paper, Education for All Global Monitoring Report 2015, Presented to UNESCO, Paris, 1 – 32.
- McCabe, J., Emily F., Liz Grauerholz, B. A., Pescosolido, D. T. (2011). *Gender in Twentieth-Century Children's Books: Patterns of Disparity in Titles and Central Characters*. *Gender & Society* 25:2 (April):197-226.
- Blumberg, R. L. (2009). *The invisible obstacle to educational equality: gender bias in textbooks*. *Prospects*, Sociology Department, University of Virginia, 38:345–361.
- Jassey, I. A. (1998). *Gender in elementary school texts*. *Japan Quarterly*, 45. 1, 87–93.
- Alrabaa, S. (1985). *Sex division of labor in Syrian school textbooks*. *International Review of Education*, 31(3), 335–348.
- Ahmed, F. B. (2006). *Male bias in school texts*. The Tribune online edition. Chandigarh, India (February 26).
- Yi, J. (2002). *A discussion on the form of elementary school social teaching materials from the angle of gender analysis*. *Chinese Education and Society*, Vol 35, Issue 5, 63–76.
- Hamilton, M., Anderson, D., Broaddus, M., Young, K. (2006). *Gender stereotyping and under-representation of female characters in 200 popular children's picture books*. A twenty-first century update. *Sex Roles*, 55(11-12), 757-765.

- Weitzman, L., Eifler, D., Hokada, E., & Ross, C. (1972). *Sex role socialization in picture books for preschool children*. American Journal of Sociology, 77, 1125–1130.
- Vericaite, D. (2012). *Gender-Bias in Textbooks in India*. zmogus ir zodis, University in Hyderabad, India, ISSN 1392-8600, 63 – 69.
- Holmqvist, P., Gjorup. (2006). *The Representation of Gender and Gender Roles in English Textbooks*. Doctoral dissertation.
- Toci, A., Aliu, M. (2013). *Gender Stereotypes in Current Children's English Books Used in Elementary Schools in the Republic of Macedonia*. American International Journal of Contemporary Research, Vol. 3 No. 12, 32 – 38.
- Ullah, H., Ali, J., Naz, A. (2014). *Gender Representation in Children's Books: A Critical Review of Empirical Studies*. World Applied Sciences Journal 29 (1): 134-141.
- Tang, H., Chen, B., Zhang, W. (2010). *Gender Issues in Mathematical Textbooks of Primary Schools*. Journal of Mathematics Education, Vol. 3, No. 2, 106-114.

Semiotics analysis of woman image construction in textbooks with emphasis on Barth's perspective

Mohammad Hossein Ebtékari¹

Abstract

The present study analyzes the semiotics of female image making in textbooks. Barth's semantics was used to analyze the subject. The research approach was a qualitative approach with the use of document study method. The methods of selecting images are based on purposeful sampling and thematic analysis. The data analyzed were the images of women in secondary school social studies textbooks. The categories of semiotic analysis of images can be categorized and analyzed around the female sub-axes of household inventory, traditional activity, social distance, non-political inventory, and social management weakness; and the "less important other" axis. Based on the analysis of the images, it can be said that the images presented to women in textbooks lead to the formation and reinforcement of a gendered view, gender discrimination in society. As a result, the representation of images reflects both gender inequality and the inability of women to access important and valuable opportunities in their community.

Keywords: Textbooks, Gender Inequality, Woman .

1. PhD in Sociology, Department of Social Sciences, Yasuj University, Yasuj, Iran, Mh.ebtékari@yahoo.com.